

Analyzing Time Management in Crimes Detection with an Emphasis on the Prevention of Recidivism

Shahram Madani¹, Bahman Fasihi²

Abstract

Background and purpose: Crime detection is one of the missions of the police and plays an important role in preventing the occurrence of crime and its repetition. One of the important outcomes of crime detection is the public order and security of the society, in which the role of the police is significant and time management is one of its pillars; Therefore, the present research was conducted with the aim of analyzing time management in crime detection with an emphasis on preventing recidivism.

Method: The present research was applied in terms of purpose and qualitative in nature and the method of data collection utilized a semi-structured interview. The participants in this research were 22 intelligence police detectives and law enforcement and judicial experts who were selected by purposeful sampling until theoretical saturation. Also, the questions and results were checked and confirmed in terms of validity and reliability. Data analysis was done by content analysis method using Maxqda software.

Results: Paying attention to time management in the process of crime detection has three important dimensions: "preventing the multiplicity and serialization of crimes in order to break the chain of their occurrence, collecting crime evidence through timely presence at the scene and preserving the traces and signs of the crime, judicial interaction and coordination with "The approach of accelerating and facilitating the preliminary investigation process" is of great importance that, while helping to formulate, implement and implement crime prevention activities, it is directly effective in preventing the repetition of crime and expanding its scope, and it increases the speed of the process. Crimes are also detected.

Conclusion: The development of technical and scientific knowledge of the police (especially police awareness and preventive police) relying on new technologies in the direction of scientific detection of crimes and crime prevention is very important, and in the meantime, improving the level of interactions between the police and the judicial system. With the approach of facilitating and speeding up coordination, it leads to the improvement of time management in the process of crime detection, reducing the time of crime detection, increasing the detected crimes, preventing the repetition of crimes and delaying proceedings, and their overall result leads to the prevention of crime.

Keywords: police, time management, crime, crime detection, crime prevention

1. PhD student of crime prevention management, Amin Police University, Tehran, Iran.
(Corresponding author) Email: 100Hellofirst@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Basic Sciences, Amin Police University, Tehran, Iran. Email: Bahman.Fasihi@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی

سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

صص ۱۸۳-۲۰۷

واکاوی مدیریت زمان در کشف جرائم با تأکید بر پیشگیری از تکرار جرم

شهرام مدنی^۱، بهمن فصیحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳

چکیده

زمینه و هدف: کشف جرم به‌عنوان یکی از مأموریت‌های پلیس و نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرم و تکرار آن دارد. یکی از برآیندهای مهم کشف جرائم، نظم و امنیت عمومی جامعه است که در این راستا نقش پلیس قابل توجه و مدیریت زمان یکی از ارکان آن می‌باشد؛ بنابراین تحقیق حاضر با هدف واکاوی مدیریت زمان در کشف جرائم با تأکید بر پیشگیری از تکرار جرم انجام شد.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی و روش گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. مشارکت کنندگان در این پژوهش، کارآگاهان پلیس آگاهی و خبرگان حوزه انتظامی و قضایی به تعداد ۲۲ نفر بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری هدفمند تا اشیاع نظری انتخاب گردیده‌اند. همچنین سؤالات و نتایج از نظر روایی و اعتبار بررسی و تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا صورت گرفته است.

یافته‌ها: توجه به مدیریت زمان در فرایند کشف جرم دارای سه بُعد مهم «پیشگیری از تعدد و سرریالی شدن جرائم به‌منظور قطع زنجیره وقوع آن‌ها، جمع‌آوری مدارک جرم از طریق حضور به‌موقع سر صحنه و حفظ آثار و علائم جرم، تعامل و هماهنگی قضایی با رویکرد تسریع و تسهیل در فرایند تحقیقات مقدماتی» بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است که ضمن کمک به تدوین، پیاده‌سازی و اجرای فعالیت‌های پیشگیرانه از جرم، به‌طور مستقیم در جلوگیری از تکرار جرم و گسترش دامنه آن بسیار تأثیرگذار بوده و باعث افزایش سرعت در فرایند کشف جرائم نیز می‌گردد.

نتیجه‌گیری: توسعه دانش فنی و علمی پلیس (به‌خصوص پلیس آگاهی و پلیس پیشگیری) با تکیه بر فن‌آوری‌های نوین در راستای کشف علمی جرائم و پیشگیری از وقوع جرم بسیار حائز اهمیت بوده و در این اثناء، ارتقای سطح تعاملات فی‌مابین پلیس و دستگاه قضایی با رویکرد تسهیل و تسریع در هماهنگی‌ها، به بهبود مدیریت زمان در فرایند کشف جرم، کاهش زمان کشف جرائم، افزایش جرائم کشف شده، جلوگیری از تکرار جرائم و اطلاع دادرسی منتهی و برآیند کلی آن‌ها به پیشگیری از جرم منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پلیس، مدیریت زمان، جرم، کشف جرم، پیشگیری از تکرار جرم.

استاد: مدنی، شهرام؛ فصیحی، بهمن. (۱۴۰۳). واکاوی مدیریت زمان در کشف جرائم با تأکید بر پیشگیری از تکرار جرم،

فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی ۱۹ (۱)، صص ۱۸۳-۲۰۷

<https://doi.org/10.22034/pmsq.2024.1274763.1654>

۱. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

100Hellofirst@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم پایه دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: Bahman.Fasihi@gmail.com

مقدمه

اندرو گرو^۱ از صاحب‌نظران حوزه مدیریت جمله معروفی دارد که می‌گوید: در همه سازمان‌ها (اعم از خرد و کلان) هر کاری را که باید صورت دهید، آن را سریع و با حداکثر کارایی انجام دهید تا ارزش ایجاد شود. افزون بر اینکه اهمیت زمان تنها مختص سازمان‌ها نبوده و همه انسان‌ها به انواع مختلف در انجام فعالیت‌های روزمره خود بر آن تأکید دارند؛ به طوری که امروزه ضرب‌المثل «وقت طلاست» تقریباً در همه جا رایج است. مدیریت زمان یعنی استفاده صحیح از زمان در اختیار، برای ارتقای بهره‌وری، مفهومی کاربردی در جهان امروزی است که بدون در نظر داشتن و تقویت آن سازمان‌ها نمی‌توانند به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته و در محیط‌های رقابتی تنگاتنگ برای خود مزیت رقابتی ایجاد نمایند (رضاییان، ۱۴۰۱، ۳۹). مدیریت زمان حتی در مشاغلی همانند کشاورزی و دامداری، ساختمان‌سازی، مدیریت حمل‌ونقل و ... دارای اهمیت است؛ لیکن جایگاه مدیریت زمان در فرایندها و مشاغلی مانند شغل پلیسی که زمان در آن‌ها حرف اول را می‌زند از اولویت دوچندانی برخوردار است؛ به طوری که دقایق و ثانیه‌ها تعیین‌کننده مرگ یا زندگی یک انسان و یا انسان‌ها بوده و زمان و مدیریت آن به دلیل نقش تعیین‌کنندگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ از این رو در اکثر کشورهای جهان فوریت‌های پلیسی راه‌اندازی شده تا زمان رسیدن پلیس به صحنه جرائم و حوادث کاهش یابد. صحنه جرم ابتدای جاده‌ای است که پلیس و مقامات قضایی را به مجرم و حقیقت جرم می‌رساند؛ بنابراین، اگر مقامات قضایی دیر در صحنه جرائم حاضر شوند و پس از ورود به صحنه با پلیس تعامل کامل نداشته باشند مدارک موجود در صحنه جرم از بین خواهد رفت؛ زیرا دلایل و مدارک موجود در صحنه جرم در معرض انواع خطرات طبیعی و مصنوعی قرار دارند و اندکی تعلل در جمع‌آوری آن‌ها مثل نمونه‌های قطرات خون در فضای باز می‌تواند باعث از بین رفتن آن‌ها شود. مضاف بر این که قاعده طلایی^۲ در اصطلاح کشف علمی جرائم، بر حفظ صحنه جرم از

1. Andrew Stephan Grove

2. Golden rule

تغییرات طبیعی و مصنوعی و عوامل قهری دلالت داشته و مهم‌ترین اقدام در فرایند کشف جرائم است که رابطه مستقیم با زمان مداخله و حضور پلیس سر صحنه جرم دارد (طالبیان، ۱۳۹۷، ۳۱). چراکه طبق اصل تبادل^۱ ادموند لوکار^۲ «به دلیل تبادل اثرات بین محیط، مجرم و بزه‌دیده، حتماً در صحنه جرم مدارکی از مجرمین وجود دارد و اگر مدرکی به دست نیاید، در نتیجه ضعف در حفظ و بررسی دقیق صحنه جرم یا برهم خوردن و از بین رفتن مدارک موجود در آن می‌باشد» که تا حدود زیادی با موضوع مدیریت زمان در کشف جرائم ارتباط پیدا می‌کند (فخرز، ۱۳۹۵، ۳۴۸). بنابراین تحقق قاعده طلایی مستلزم همکاری و تعامل نهادهای متولی بررسی صحنه جرم در همه مراحل حفظ صحنه جرم از خطرات، نجات جان بزه‌دیدگان است.

بدیهی است امور پلیسی در اکثر موارد با مأموریت‌هایی همراه هستند که معمولاً نقش زمان در همه آن‌ها مهم و سرنوشت‌ساز بوده و مدیریت زمان به عنوان یک معیار اصلی برای سنجش عملکرد و توانایی‌های پلیس مورد استفاده قرار می‌گیرد. مضاف بر اینکه توجه به زمان مداخله در امر پیشگیری از جرم بسیار حائز اهمیت بوده و اقتضای هنر مدیریت در عرصه پیشگیری از جرم، کنشگری به هنگام در سطوح اولیه و جلوگیری از گسترش زمینه‌های بروز جرائم به سطوح بالاتر است. همچنین یکی از مؤثرترین شیوه‌های پیشگیری از وقوع و تکرار جرائم، کشف سریع آن‌ها بوده و در صورتی که با مداخله سریع انتظامی، حضور به موقع در صحنه جرائم، حفظ آثار و علائم جرم و نیز جلوگیری از امحاء آن که مستلزم توجه به اصل مدیریت زمان است، نسبت به شناسایی و دستگیری به هنگام مجرمین و مرتکبین اقدام شود بالطبع امکان ارتکاب جرائم بعدی نیز از آن‌ها سلب می‌گردد؛ که متأسفانه در موارد زیادی به جهت برخی ناهماهنگی‌ها و غفلت از اصل مدیریت زمان در رسیدگی‌های پلیسی و قضایی این امر محقق نمی‌شود و لذا پلیس و دستگاه قضایی را با چالش‌های فراوانی تحت فشار مطالبات اجتماعی و رسانه‌ای مواجه می‌سازد. علاوه بر این مجرمین سریالی اعم از قتل، سرقت و تجاوز به

1. Exchange principle

2. Edmond locard

عنف سریالی زمانی که توسط پلیس و دستگاه قضایی تحت پیگرد قرار نمی‌گیرند، نسبت به ارتکاب جرائم بیشتر تجری پیدا کرده و در نتیجه قربانیان بیشتری را از جامعه می‌گیرند؛ به طوری که قطع زنجیره جرائم تنها با کشف جرم و دستگیری مجرم یا مجرمین آن‌ها میسر بوده و منجر به قطع اراده برای تکرار جنایات بعدی می‌شود؛ لذا مسئله اصلی تحقیق فوق تیز عبارت است از اینکه: در واکاوی مدیریت زمان در کشف جرائم با تأکید بر پیشگیری از تکرار جرم، مهم‌ترین ابعاد آن کدامند؟

پیشینه و مبانی نظری

در تحقیقات پیشین به صورت موردی به مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع جرم پرداخته نشده و تنها معدودی از تحقیقات به این موضوع اشاره داشته‌اند که عبارت‌اند از:

تفرشی و همکاران (۱۴۰۲). در تحقیقی با عنوان «تأثیر وضعیت‌های پیش‌جنایی بر مدیریت رفتارهای بزهکاران در پیشگیری از جرم» که مورد مطالعه آن‌ها شهرستان قزوین بوده است، دریافته‌اند: بین عوامل تأثیرگذار در وضعیت‌های پیش‌جنایی بر مدیریت رفتار بزهکاران در پیشگیری از جرم، مؤلفه محیط در رتبه اول، بیشترین تأثیرگذاری را داشته و بزه‌دیده در رتبه دوم، فرصت در رتبه سوم و بزهکار در رتبه پایانی قرار دارند؛ لذا لازم است برای پیشگیری مبتنی بر کنترل وضعیت‌های پیش‌جنایی، با برگزاری نشست‌های رسمی و تنظیم تفاهم‌نامه میان متولیان پیشگیری از جرم با سایر سازمان‌ها، ابتدا ضوابط اجرای پیشگیری از وضعیت‌های پیش‌جنایی، قانونمند شود و سپس مقامات مسئول، زمینه پیشگیری از وضعیت‌های پیش‌جنایی را بر اساس تأیید اهل فن و پژوهش، شناسایی کنند.

محمودلی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی کاربردی با عنوان «راهنمای پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر تسهیم نقش‌های برون‌سازمانی» که به روش کیفی و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه پیشگیری از جرم صورت گرفت؛ به این یافته رسیدند که رویکردهای پیشگیری از جرم عمدتاً در زمان‌ها و مکان‌هایی موفقیت‌آمیز و اثربخش بوده است که طرح‌های پیشگیری از جرم، مشارکتی

و با استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌ها و نهادهای دخیل بوده است. امروزه، پلیس در وضعیت رقابتی قرار دارد و بایستی با کاهش تهدیدات به سمت استفاده از فرصت‌های محیطی حرکت کند.

انصاری مقدم و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «مدیریت وقت و زمان و استفاده از فرصت‌ها از دیدگاه قرآن کریم» به این نتیجه رسیده‌اند که وقت و زمان دو امر بسیار مهم در زندگی هر شخصی هستند که قطعاً هیچ سرمایه‌ای هم ارزش با آن نمی‌تواند وجود داشته باشد و اما مدیریت وقت به طریقی همان زمان‌شناسی است که مفهوم آن می‌تواند روش‌ها و شیوه‌های صحیح استفاده از وقت معنا بشود؛ که هر کدام شامل اصول و قواعدی است. گرچه که مقالات بسیاری در این زمینه تدوین شده است و در احادیث معصومان هم از این موارد به‌وفور یافت می‌شود؛ ولی به‌دلیل اهمیت این موضوع می‌بایست به‌صورت دقیق‌تری بر روی آن تمرکز کرد تا مطلوب آن حاصل شود.

اعتمادی و ذوقی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «ارائه مدل شایستگی‌های حرفه‌ای کارکنان به‌منظور مدیریت استعدادها» با توجه به الگوی ساختاری پیش‌بینی حل مسئله و کیفیت زندگی بر اساس مدیریت زمان با نقش میانجی ذهن آگاهی در مدیران فراجا، به این یافته دست پیدا کرده‌اند که به‌منظور حل مسئله بهتر و افزایش کیفیت زندگی مدیران در موقعیت‌های شغلی سخت باید بر مدیریت زمان تأکید نموده و تمهیداتی در جهت افزایش ذهن آگاهی مدیران به کار بست تا در جهت برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری مؤثرتر اقدام نمود.

سرافراز (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان با اثربخشی سازمانی در بین مدیران ادارات دولتی شهرستان کرج» به این نتیجه رسید که بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان با اثربخشی سازمانی - بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان با سازمان‌دهی - بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان با تصمیم‌گیری - بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان در ارتباط با کارکنان - بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان با رضایت شغلی، در بین مدیران ادارات دولتی شهرستان کرج رابطه وجود دارد.

سید ناری و قاسم پیوندی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «روش‌های مدیریت زمان در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)» به این یافته رسیدند که حضرت زهرا (س) در تمامی ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و عبادی فعال بوده‌اند و این جز با مدیریت زمان امکان‌پذیر نیست. براساس پژوهش حاضر روش‌های مدیریت زمان در زندگی آن حضرت عبارت‌اند از: ۱. تقسیم کار؛ ۲. عدم تأخیر در انجام امور؛ ۳. حفظ اطلاعات ارزشمند؛ ۴. وجود مکان معین و مناسب برای هر وسیله؛ ۵. انجام چند کار هم‌زمان؛ ۶. رقابت؛ ۷. استراحت و نشاط؛ ۸. توجه به زمان حال.

مهدوی ثابت و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی مدل تعامل شبکه‌ای میان دادسرا و پلیس در مدیریت زمان در فرایند کیفری» به بررسی انواع مدل‌های تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی در کشورهای مختلف پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که مدل تعامل شبکه‌ای می‌تواند بهترین تأثیرگذاری را بر مدیریت زمان در کشف جرائم داشته باشد.

نیازخانی و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «علل تأخیر کشف جرم سرقت لوازم و محتویات خودرو» به بررسی علل مختلف تأخیر پلیس در کشف جرائم مرتبط با لوازم خودرو پرداخته و به این نتیجه رسیدند که «ضعف تعامل پلیس با دیگر نهادها از جمله دادسرا باعث افت مدیریت زمان در کشف جرم شده و زمان کشف پرونده‌ها را افزایش می‌دهد».

پانچ موریس^۱ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «مدیریت زمان در سازمان‌های پلیسی» به این نکته اشاره می‌کند که پلیس در یک نقطه عطف آشفته قرار دارد و سرعت تغییر با تشدید تأکید بیشتر بر کاهش جرم و توأم با ریاضت اقتصادی شرایطی را به وجود آورده که پلیس به ناچار باید به سمت مدیریت زمان پیش رفته و یکی از ظرفیت‌های موجود برای مدیریت زمان، تعامل با نهادهای دیگر از جمله نهادهای قضایی برای کاهش زمان کشف جرم است.

کالین^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «مهارت‌های رهبری در امور پلیسی» به بررسی اثر تعامل در اجرای مأموریت‌های پلیس پرداخت و بیان کرد: سازمان پلیس بدون تعاملات بین سازمانی و تعامل با مردم وجود نخواهد داشت. کارکنان پلیس دائم با مردم، همکاران، مدیران، رهبران سازمان‌های دیگر و دستگاه قضایی در ارتباط هستند، ارتباط‌ها و تعاملات برای نیروهای پلیس حیاتی بوده و منتهی به مدیریت زمان در کشف جرم می‌شود.

در پیشینه‌های مورد مطالعه از منظرهای مختلفی به اهمیت زمان و استفاده بهینه از آن با مداخلات به هنگام پرداخته شده است؛ لیکن وجه تمایز این پژوهش، تمرکز آن بر کشف جرائم با تأکید بر پیشگیری از تکرار وقوع آن‌هاست.

جرم از جمله پدیده‌های اجتماعی است که بی‌توجهی به کشف سریع و دقیق آن، ضمن افزایش ناامنی در جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به چالش کشیده و موجب گسست بین هنجارهای اجتماعی و نظم و امنیت می‌گردد؛ از این رو بر کسی پوشیده نیست که پرونده‌های جرمی که به مرحله کشف نرسیده‌اند، نقطه ضعف اصلی جرم-یابی در هر کشوری محسوب می‌گردند که از یک سو حقوق افراد و از سوی دیگر امنیت اجتماعی را با خطر مواجه می‌سازند (فرجی‌ها، ۱۳۹۰، ۱۲۴). لذا اولین برآیند قابل مشاهده وقوع جرائم در جامعه، التهاب و احساس ناامنی است که در بین عموم شهروندان اتفاق می‌افتد و تنها واقعه‌ای که می‌تواند این وضعیت را تا حدودی اعاده به سابق نماید، شناسایی متهم و واقعیت جرم و اجرای عدالت در حق آن‌هاست؛ به طوری که یکی از ملاک‌های ارزیابی عملکرد نهادهای کشف جرائم در کشورهای مختلف جهان به خصوص در پلیس‌هایی همانند اسکاتلند یارد در انگلستان، میزان سرعت کشف جرم می‌باشد که البته در این ارزیابی به موضوع پیچیدگی جرائم نیز توجه می‌شود؛ زیرا بین پیچیدگی جرائم و سرعت کشف آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد.

مدیریت زمان چه در مرحله تحقیقات مقدماتی که در موارد زیادی توسط مقامات قضایی به ضابطین تفویض می‌گردد؛ و چه در مرحله تحقیقات تکمیلی که پلیس و دستگاه قضایی هر کدام سهم بسزایی دارند، بسیار حائز اهمیت بوده و برآیند این اقدامات ضمن تسهیل و تسریع در فرایند رسیدگی‌ها به نتایج قابل توجهی منجر می‌شود؛ لذا تعامل بین نهادهای مسئول کشف جرائم در راستای مدیریت زمان^۱ اجتناب‌ناپذیر است (آخوندی، ۱۳۸۸، ۴).

بدیهی است مجموعه اقدامات مربوط به فرایند کشف جرم، باید از لحظه شروع تا پایان با هماهنگی نهادهای مرتبط با آن به‌ویژه دادسرا، به‌صورت زنجیروار و بدون گسستگی انجام پذیرد تا ادله جمع‌آوری شده توسط پلیس در دادگاه ارائه و قابلیت استناد و دفاع داشته باشند؛ چراکه اصل حفظ زنجیره انتقال یکی از اصول کاربردی کشف جرائم محسوب می‌شود. به‌موجب این اصل پلیس جنایی باید دلایل را جمع‌آوری و تا مرحله ارائه در دادگاه حفظ نماید؛ که در واقع اجرای این اصل (جمع‌آوری و تکمیل دلایل) کاملاً وابسته به زمان و تسریع در انجام آن قبل از قرار گرفتن در معرض خطرات طبیعی و مصنوعی بسیار حائز اهمیت است (جانستون^۲، ۲۰۱۴، ۱۴۶). همچنین پیشگیری از جرم فرایندی است که اقدامات پیش‌دستانه قبل از وقوع جرائم، مداخلات به‌موقع در زمان مناسب و در سطوح پایین‌تر، مانع از گسترش دامنه جرائم به سطوح بالاتر می‌شود؛ لذا بی‌توجهی به مدیریت زمان در انجام مأموریت‌ها و عدم پاسخگویی به‌موقع به مطالبات قانونی آحاد جامعه، ضمن کاهش سرمایه اجتماعی پلیس، منجر به بروز زمینه‌های ناکامی در فرایند کشف جرائم و پیشگیری از جرم توسط پلیس به جهت اطاله زمان در هماهنگی‌ها و عدم مداخلات انتظامی به‌موقع می‌گردد.

پیشگیری از وقوع جرم و بخصوص کشف جرائم یک فرایند و مأموریتی وابسته به زمان است. در اکثر پرونده‌هایی که فرایند کشف جرم در آن‌ها به موفقیت ختم نمی‌شود؛ می‌توان عدم مدیریت زمان در آن‌ها را مشاهده کرد که بر این اساس، عکس آن نیز در

1. Time management

2. Johnston

موارد زیادی صادق بوده و با مدیریت بهینه زمان دستاوردهای بسیار مطلوبی در حوزه کشف و پیشگیری از وقوع جرائم قابل حصول است. بدیهی است امروزه اهمیت زمان نزد اذهان عمومی بر کسی پوشیده نبوده و در سازمان‌هایی مثل پلیس، این اهمیت بخصوص در حوزه کشف جرائم دوچندان است. با مطالعات تطبیقی در پلیس کشورهای مختلف جهان به نرخ‌های متفاوتی از میانگین زمانی کشف جرم می‌رسیم که این امر تا حدود زیادی به سطح توسعه کشورها از لحاظ فنی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد. به طوری که در پلیس کشورهای پیشرفته که از تجهیزات مدرن برخوردار بوده و موضوع کشف علمی جرائم در ساختار آن‌ها نمود عینی تری دارد؛ میانگین زمانی کشف جرم به طور کلی در حدود ۲۴ ساعت، در پلیس کشورهای توسعه یافته حدود ۲۸ تا ۳۰ ساعت و این امر در کشورهای در حال توسعه حدود ۳۶ ساعت و در کشورهای جهان سومی تا بیش از ۴۸ ساعت متغیر می‌باشد. بدیهی است در حال حاضر میانگین زمانی کشف جرم در سیستم پلیسی ایران به طور تقریبی مابین ۳۶ تا ۴۸ ساعت است، لیکن علیرغم اقدامات خوب صورت گرفته در حوزه کشف علمی جرائم و تقلیل زمان کشف جرم، تا رسیدن به وضعیت مطلوب و کاهش زمان کشف جرم، برنامه‌ریزی و تلاش‌های مجدانه‌ای نیازمند است. مضاف بر اینکه مدت زمان کشف جرم در جرائم مختلف به صورت موردی متفاوت بوده و در موارد زیادی تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و حساسیت موضوعی جرائم، به جهت واکنش سریع پلیس و سیستم قضایی با سرعت بالایی کشف می‌گردند.

کشف جرائم و اقدامات پیشگیرانه از وقوع و تکرار جرم، فرایندی است که زمان در آن نقش اساسی داشته و بسیاری از اصول کشف علمی جرائم نیز بر مبنای مدیریت زمان و بر اساس آن استوار هستند؛ لذا زمان در فرایند کشف جرائم و پیشگیری از وقوع جرم باید توسط پلیس و دستگاه قضایی مدیریت شود به نحوی که هیچ کدام از معیارهای سرعت و دقت در این فرایندها فدای یکدیگر نشوند که مستلزم تعامل سازمان پلیس با دستگاه قضایی بوده و اگر تنها به روابطی که در قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شده بسنده گردد، اطلاع فرایندها در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع جرم، هر دو نهاد پلیس

و دستگاه قضایی را درگیر چالش‌ها و تبعات ناشی از عدم کشف جرائم یا کشف با تأخیر آن خواهد نمود (نیازپور، ۱۳۸۹، ۳۶۴).

برابر ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم، مصوب ۱۳۹۴، پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن. لذا با امعان نظر به تعریف قانونی پیشگیری از جرم، فرایند پیشگیری از جرم در کشور ایران، دارای چهار بُعد اصلی پیش‌بینی، شناسایی، ارزیابی و تدبیر و اقدام می‌باشد. همچنین با توجه به سیاست جنایی تقنینی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و تعریف قانونی فوق، پیشگیری پلیسی یا پیشگیری انتظامی شامل کلیه اقدام‌ها و تدابیر پیشگیرانه اعم از کیفری و غیر کیفری است که توسط فرماندهی انتظامی و به‌منظور پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم با به‌کارگیری تدابیر و اقدام‌های لازم برای از میان بردن یا کاهش آن به عمل می‌آید (فرجی‌ها، ۱۳۸۹، ۳۶). مضاف بر اینکه طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم، اصلاح مجرمین و نیز کشف جرائم از وظایف قوه قضائیه بوده و نیز در بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶، کشف جرائم و پیشگیری از وقوع جرم، از وظایف فرماندهی انتظامی به‌عنوان ضابط قوه قضائیه تلقی شده است؛ از این رو تعامل و هماهنگی نهادهای مسئول کشف جرم در راستای مدیریت زمان اجتناب‌ناپذیر است (آخوندی، ۱۳۸۸، ۴). تعامل به معنای نوعی همکاری رسمی و غیررسمی بین سازمان‌ها بوده و در فرایند کشف جرم و پیشگیری از جرائم نیز، این تعامل به‌طور عمده بین پلیس با دادسرا صورت می‌گیرد که به هر میزان بیشتر گردد؛ امکان دستیابی به موفقیت به‌خصوص در حوزه پیچیده کشف جرائم، آسان‌تر می‌شود (جهانتاب، ۱۳۹۴، ۱۱۲). از این جهت در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به‌منظور برقراری تعامل حداکثری فی‌مابین پلیس و دستگاه قضایی و مدیریت بهینه زمان در حوزه رسیدگی به جرائم، واحدی به نام پلیس قضایی با هدف تسریع و افزایش دقت در فرایند کشف جرم، تشکیل و مشغول به فعالیت می‌باشد. بدیهی است یکی از چالش‌های اساسی مدیریت زمان در کشف جرائم در کشور ایران و در حال حاضر فقدان پلیس

قضایی است. این پلیس تخصصی در سال ۱۳۶۹ و به موجب قانون ادغام نیروهای انتظامی منحل شد؛ لیکن چند سال پس از انحلال آن به دلیل مشکلاتی که به خصوص در موضوع کشف جرائم و تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی در این فرایند به وجود آمده بود، مجدداً لایحه تشکیل پلیس قضایی تنظیم و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، اما به دلیل اختلاف نظرهای بین پلیس و دستگاه قضایی و حتی سایر نهادهایی همانند دولت در مورد میزان اختیارات پلیس قضایی و نحوه اعمال آن، باگذشت نزدیک به ۲۵ سال از تقدیم اولین لایحه مربوط به این موضوع تاکنون سیر مراحل تصویب آن در مجلس شورای اسلامی منتج به نتیجه نگردیده است. همچنین جدای از اینکه فرایند کشف جرم در جهت تحقق اهداف خود نیازمند امکانات و تجهیزات و دانش فنی به روز بوده و امکان تأمین همه استانداردهای جهانی در یک بازه زمانی کوتاه ممکن نیست؛ لیکن استفاده بهینه از امکانات و منابع انسانی موجود و افزایش بهره‌وری برای نزدیک‌تر شدن به اهداف کشف جرم و اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرائم، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند پاسخگوی بخشی از نیازهای اصلی در این حوزه باشد، در این مسیر تعامل سازمان‌های دخیل در کشف جرم به منظور مدیریت زمان و استفاده از ابزارهای آن می‌تواند راهگشا باشد (دی هارت، ۲۰۱۷، ۲۲۳). از این رو جوزف گلدشتاین^۲ (۲۰۱۸)، فرایند کشف جرم را براساس یک الگوی عمومی در کشورهای تابع نظام کیفری مختلط بررسی نموده است که با یافته‌های این پژوهش در ابعاد پیشگیری از تعدد و سریالی شدن جرائم، جمع‌آوری مدارک جرم، تعامل و هماهنگی قضایی منطبق است؛ هرچند تفاوت‌هایی در نظام قضایی حاکم بر کشور ایران با کشورهای مورد بررسی گلدشتاین از جهت ساختاری وجود دارد؛ لیکن در این مورد به خصوص که «تعامل و هماهنگی تنگاتنگ فی مابین سیستم پلیسی و سیستم قضایی، یکی از ارکان مهم مدیریت زمان بوده و باعث تسریع در فرایند رسیدگی به جرائم، پی‌جویی پلیسی و کاهش اطاله دادرسی می‌گردد»، انطباق بسیار قوی وجود دارد.

1. De Heart, Paul

2 Goldeshtein. Josef

– تعامل پلیس و دستگاه قضایی در تدوین برنامه‌های کلان برای مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع و تکرار جرم

بسیاری از برنامه‌های کلان در سیاست جنایی هر کشوری مستلزم تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی و حتی سایر نهادها دولتی و مدنی است؛ بنابراین، مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع و یا تکرار جرم موضوعی نیست که مختص به برنامه ریزی و اقدامات خرد در سازمان پلیس، دستگاه قضایی و جامعه باشد؛ بلکه جایگاه واقعی مدیریت زمان در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات کلان پلیس، دستگاه قضایی و قوای مختلف جامعه است و تا زمانی که اقدامات کلان انجام نگردد اقدامات خرد اثربخش نخواهد بود؛ لذا برنامه‌های کلان کشف جرائم در این راستا عبارت‌اند از:

۱. تشکیل و یا تکمیل بانک‌های اطلاعاتی اعم از بانک اثرانگشت و DNA؛
۲. تکمیل و به‌روزرسانی فن‌آوری‌های کشف جرم؛
۳. تلاش در جهت تقویت پلیس آگاهی در ساختار سازمانی پلیس، به‌طوری که به هر میزان که تعداد پرونده‌های ارجاعی به یک کارآگاه کمتر باشد فرصت او برای به نتیجه رساندن سریع پرونده‌ها افزایش پیدا می‌کند. همچنین بهره‌گیری از کارآگاهان با تخصص‌های بالا می‌تواند پلیس آگاهی را تقویت کرده و زمان کشف جرائم را کاهش داده و استاندارد نماید (خداداد حسینی، ۱۳۸۷، ۱۳۷).

عوامل تأثیرگذار بر مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع و تکرار جرم در ایران

مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از تکرار جرم علاوه بر تحت تأثیر قرار گرفتن توسط عواملی که قبلاً مورد اشاره گرفت از جهات مختلف تحت تأثیر شاخص‌های متعدد ممکن است تقویت یا تضعیف گردد که مهم‌ترین این عوامل در اکثر کشورهای جهان به‌خصوص ایران عبارت است از:

۱. میزان واکنش رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های گروهی نسبت به جرائم: یکی از عواملی که معمولاً باعث می‌شود فرایند کشف جرائم و پیشگیری از وقوع جرم با تمام توان تسریع گردد؛ بازتاب‌های وسیع جرائم در رسانه‌های جمعی است. فشاری که از طرف

رسانه‌های گروهی به دستگاه قضایی و پلیس برای پیدا کردن و مجازات سریع برخی از مجرمین به خصوص در برخی پرونده‌های جنایی وارد می‌شود جدای از صحیح یا ناصحیح بودن آن، تأثیر مثبتی بر مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع و تکرار جرم گذاشته و باعث می‌گردد؛ پلیس و دستگاه قضایی تمام توان خود را بر روی آن متمرکز نموده و به سرعت به کشف و مجازات مجرمین پردازند. البته هدف اصلی رسانه‌ها از فشار بر پلیس و دستگاه قضایی، شاید در وهله اول، کشف سریع جرم و شناسایی و مجازات مجرم نبوده، بلکه در اکثر موارد به دلیل علاقه شهروندان به دنبال کردن این موضوعات، آن‌ها را در صدر اخبار خود منعکس می‌کنند تا محصولات صوتی، تصویری و نوشتاری رسانه‌ای فروش یا بازدید بیشتری داشته باشد (ذوالفقاری، ۱۳۹۹، ۵۰).

۲. به وجود آمدن احساس ناامنی در جامعه به خصوص در جرائم خشونت‌آمیز: همپای رسانه‌ها و در نتیجه فعالیت آن‌ها در برخی از جرائم به خصوص جرائمی که به صورت خشونت‌آمیز اتفاق می‌افتند، جو ناامنی در جامعه به وجود می‌آید. زمانی که شهروندان در یک اپیدمی ترس از قربانی شدن قرار می‌گیرند فشارها برای پلیس در جهت شناسایی و دستگیری متهمین افزایش می‌یابد این امر به خصوص در جرائم و جنایات سریالی مصداق پیدا کرده و با کشف هر مورد جسد جدید یا تجاوز به وقوع پیوسته، جامعه و مسئولین انتظار سرعت عمل از مأمورین پلیس را مطرح می‌کنند.

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت زمان در کشف جرم بر اساس نظریه گلدشتاین

مفهوم	بعد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مدیریت زمان در کشف جرم	جمع‌آوری مدارک مادی	اطلاع از وقوع جرم	اطلاع‌رسانی وقوع جرم به مراجع قضایی و پزشکی قانونی
			تشکیل تیم بررسی صحنه جرم و اعزام به محل وقوع جرم
			حضور مقام قضایی در صحنه جرم
		رعایت قاعده	رفع خطرات صحنه جرم و نجات جان

مجروحین	طلایی		
محصور کردن صحنه جرم و حفظ آن از تغییر و تبدیل			
جمع آوری دلایل و مدارک موجود در صحنه جرم			
ارسال نمونه‌ها به آزمایشگاه تحقیقات جنایی	حفظ زنجیره انتقال		
بررسی نمونه‌ها و تنظیم گزارش‌ها در آزمایشگاه			
نگهداری نمونه‌ها تا زمان ارائه در دادگاه			
شناسایی هویت بزه‌دیده	تشخیص هویت		تحقیقات مقدماتی
شناسایی و احصای شهود و مطلعین			
شناسایی مظنونین			
بهره‌گیری از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی	تثبیت اطلاعات		
ثبت مشخصات بزه‌دیده، شهود و مطلعین			
احراز صحت مشخصات بزه‌دیده، شهود و مطلعین			
بازجویی از مظنونین و متهمین	تکمیل اطلاعات		
مصاحبه با شهود و مطلعین			
قتل‌ها و تجاوزات و سایر جنایات سریالی	جرائم سریالی	پیشگیری از تکرار جرائم	
جلوگیری از افزایش تعداد بزه‌دیدگان در کلیه جرائم	تعدد جرائم		
ارجاع پرونده‌ها در اسرع وقت از دادسرا به دادگاه	تکمیل پرونده‌ها	کاهش اطاله دادرسی	
عدم عودت پرونده از دادگاه به دادسرا به دلیل نقص تحقیقات			
جلوگیری از خروج متهمین و مظنونین از کشور			قرارهای تأمین

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی (اکتشافی) و از لحاظ ماهیت، کیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۲ نفر (۱۴ نفر از پلیس آگاهی و ۸ نفر از مقامات قضایی دادسرا اعم از بازپرس و دادستان) از خبرگان انتظامی هستند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در حد اشباع نظری مصاحبه انجام گرفته است. برای انجام پژوهش حاضر، در نیمه اول سال ۱۴۰۱ مجموعه‌ای از داده‌ها از طریق اسناد متن (اعم از ادبیات موضوع و اسناد بالادستی) و مصاحبه‌های نیم ساختاریافته عمیق با خبرگان گردآوری شد. همچنین برای تأمین روایی از روش ارزیابی لینکلن و گوبا استفاده گردید که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی بوده و برای سنجش پایایی از روش کدگذاری و مقایسه استفاده شد؛ به این صورت که ابتدا از طریق کدگذاری باز و کدگذاری محوری، از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی مرتبط با پدیده مورد بررسی استخراج و سپس از طریق جزء جزء کردن اطلاعات موجود، به شکل‌بندی مقوله‌های اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه، سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته شده است. در مصاحبه‌هایی که لازمه جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کیفی هستند، سؤالات و نتایج از نظر روایی و اعتبار بررسی و با توجه به مقدار آلفای کرونباخ ۰٫۸۷ تأیید گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا صورت گرفته است.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

بر اساس سؤال‌های کلی پژوهش، اطلاعات و داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه با استفاده از روش تحلیل کیفی مورد تحلیل عمیق قرار گرفتند. مشارکت کنندگان در این پژوهش ۲۲ نفر از کارکنان (۱۴ نفر خبرگان پلیس آگاهی و ۸ نفر از مقامات قضایی دادسرا اعم از بازپرس و دادستان) بودند که از مجموع داده‌ها ۴۹ کد مفهومی اولیه استخراج شد که در جدول جداگانه (جدول‌های ۱ تا ۲۲) برای هر شرکت‌کننده تنظیم و

در زیر آمده است، سپس بعد از حذف کدها و مقولات تکراری و ادغام کدها و مقولات مشابه، در مجموع ۳ تم و ۹ مقوله استخراج گردید که از جهات زیادی با نظریه گلدشتاین نیز انطباق دارد.

جدول ۲. مشخصات توصیفی پاسخ‌دهندگان

ردیف	مسئولیت	مدرک	سن خدمتی	ردیف	مسئولیت	مدرک	سن خدمتی
۱	کارآگاه	کارشناسی	۲۲	۱۲	نظارت و ارزیابی	کارشناسی	۲۴
۲	مسئول عملیات	کارشناسی ارشد	۱۹	۱۳	کارآگاه	کارشناسی ارشد	۲۵
۳	کارآگاه	دکتری	۲۰	۱۴	جانشین	کارشناسی ارشد	۲۸
۴	مسئول قضایی	کارشناسی ارشد	۱۸	۱۵	دادستان	دکتری	۲۷
۵	جانشین آموزش	کارشناسی	۲۱	۱۶	اجرای احکام	کارشناسی ارشد	۲۱
۶	بازجوی ارشد	دکتری	۲۲	۱۷	قاضی	دکتری	۱۸
۷	کارآگاه	کارشناسی	۱۹	۱۸	رئیس دادسرا	دکتری	۲۸
۸	بازجو	کارشناسی ارشد	۱۷	۱۹	بازپرس	کارشناسی ارشد	۱۷
۹	رئیس تحقیق	کارشناسی	۲۰	۲۰	قاضی	کارشناسی ارشد	۲۳
۱۰	رئیس عملیات	کارشناسی	۱۹	۲۱	قاضی	دکتری	۱۹
۱۱	مسئول آموزش	کارشناسی ارشد	۱۷	۲۲	بازپرس	کارشناسی ارشد	۱۸

ب) یافته‌های استنباطی

۱. پیشگیری از سریالی شدن جرائم: یکی از مخاطرات کلان امنیت جوامع که معمولاً با بازتاب آن در رسانه‌ها، به شدت احساس امنیت در جامعه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد؛ سریالی شدن انواع جرائم و جنایات اعم از قتل، تجاوز به عنف، کلاهبرداری و یا سرقت‌های مسلحانه است. معمولاً زمانی از جنایات زنجیره‌ای یا سریالی سخن به میان می‌آید که مرتکب یا مرتکبین این جرائم بدون انگیزه محدود (مثلاً انتقام از چند نفر) به تعداد دو فقره یا بیشتر از آن جنایت مرتکب شده و در صورتی که این فرایند یا زنجیره با کشف سریع جرائم آن‌ها قطع نگردد، ارتکاب جنایات شاید با تعداد و شدت بیشتری ادامه خواهد داشت.

۲. پیشگیری از تعدد جرائم: بسیاری از جرائم جدید و نوظهور با شیوه‌های جدید و ناشناخته برای عموم مردم اتفاق می‌افتند به نحوی که تا زمانی که برخی از این جرائم کشف و از طریق رسانه‌ها به مردم اطلاع‌رسانی نگردد؛ شهروندان بیشتری قربانیان این جرائم می‌شوند.

۳. جمع‌آوری سریع مدارک غیرمادی قبل از تغییر یا از بین رفتن آن‌ها: برخی از مدارک و دلایل جرم برخلاف مدارک مادی در عالم خارج وجود نداشته و در ذهن کسانی که صحنه جرم یا مرتکبین جرائم را دیده و یا با قربانی و وضعیت زندگی او آشنایی داشته‌اند نهفته بوده و لازم است به دلیل اینکه به سرعت برخی از جزئیات از ذهن آن‌ها پاک شده یا دچار تغییر می‌گردد؛ بلافاصله اقدامات لازم برای مستندسازی این اطلاعات صورت پذیرد؛ بنابراین، مدیریت مطلوب زمان در مرحله تحقیقات مقدماتی که در آن هماهنگی درون‌سازمانی پلیس و نیز تعاملات پلیس با دستگاه قضای پیش شرط می‌باشد؛ بسیار حائز اهمیت بوده و شایسته است تحقیقات از شهود و مطلعین و معاینه صحنه جرم در اولین فرصت انجام و مقامات قضایی عندالاقضاء مجوزهای لازم برای تحت نظر قرار دادن شهود در لحظات اولیه وقوع جرم را فراهم سازند؛ چراکه در تحقیقات اولیه بلافاصله پس از وقوع جرم، اکثر مجرمان که سابقه کیفری نداشته باشند در یک وضعیت روانی شبیه شوک قرار داشته و در صورتی که مورد

بازجویی قرار گیرند به دلیل اینکه نتوانسته اند ذهن خود را بازیابی و با شرایط جدید سازگار کنند و از طرفی دچار اضطراب و نگرانی شدید هستند در صورت مقصر بودن، میزان تناقض گویی آن‌ها افزایش یافته و احتمال شکستن مقاومت آن‌ها بسیار بیشتر می‌شود.

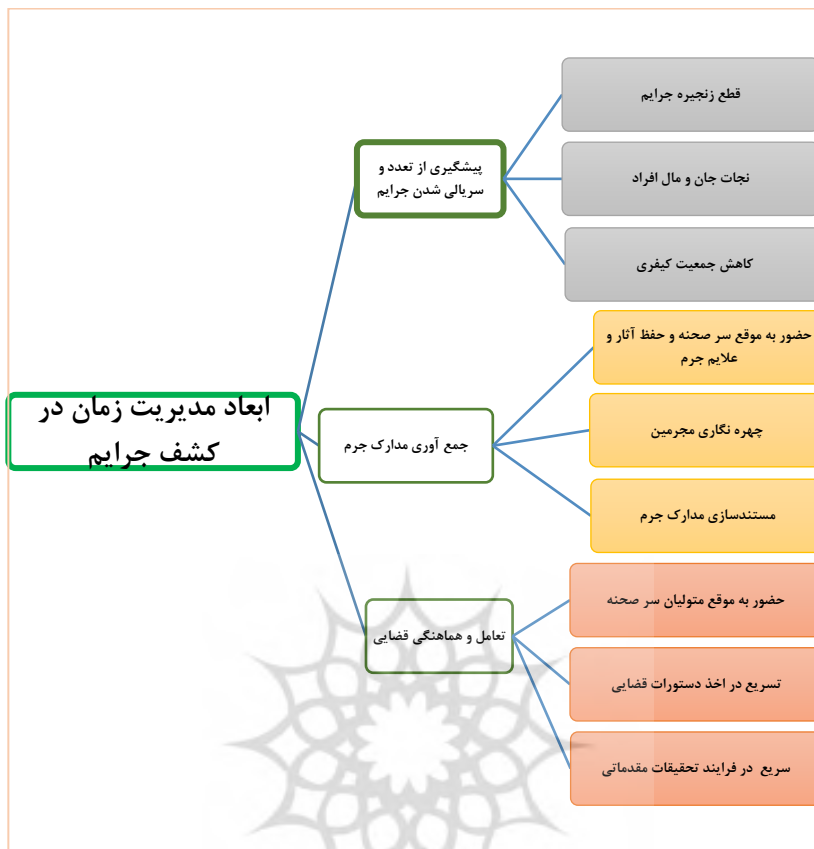
۴. چهره‌نگاری مرتکبان جرائم: میزان موفقیت در فرایند چهره‌نگاری ارتباط معکوس با زمان وقوع جرم دارد به این صورت که هرچه قدر از زمان وقوع جرم دورتر شویم احتمال واقعی بودن و ارزش چهره‌ترسیم شده از نظر شناسایی متهم کاهش می‌یابد.

۵. جمع‌آوری دلایل و مدارک مادی: یکی از مراحل اصلی و نیازمند مدیریت زمان در فرایند کشف جرم، مرحله جمع‌آوری دلایل و مدارک مادی از صحنه جرم می‌باشد که از لحظه وقوع و اخبار جرم تا لحظه فرستادن نمونه‌ها به آزمایشگاه و عادی‌سازی صحنه جرم ادامه می‌یابد. مدیریت زمان در این مرحله در چهارچوب تعامل پلیس و دستگاه قضایی و مقامات قضایی در بخش‌هایی به شرح زیر انجام می‌پذیرد:

۵-۱. هماهنگی و تعامل بین نهادهای متولی صحنه جرم: اینکه نهادهای متولی بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک با یکدیگر تعامل و هماهنگی داشته باشند موضوع مهمی محسوب شده و هماهنگی و تعامل این دو نهاد، از دو نظر و دیدگاه، کارکرد مثبت در مدیریت زمان در فرایند کشف جرائم دارد:

- اول اینکه مسئولین و کارشناسان و متخصصین بررسی صحنه جرم و کارآگاهان پلیس آگاهی برای جمع‌آوری دلایل و مدارک موجود در صحنه جرم زودتر به صحنه می‌رسند.

- دوم اینکه صحنه جرم زودتر جمع‌آوری می‌شود (این امر به‌خصوص در مواردی که صحنه جرم و دلایل و مدارک، در مکان‌هایی همانند خیابان‌ها یا معابر و اماکن عمومی واقع شده است اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند).



ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت زمان

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از این تحقیق واکاوی مدیریت زمان در کشف جرائم با تأکید بر پیشگیری از وقوع و تکرار جرم، با تکیه بر تعامل پلیس و دستگاه قضایی بود و همان‌گونه که در تحقیقات قبلی نیز این نتایج حاصل شده بود؛ مدل نهایی به دست آمده می‌تواند بهترین تأثیرگذاری را بر مدیریت زمان در کشف جرائم داشته باشد. لذا در این تحقیق نیز مشخص گردید «تعامل پلیس و دستگاه قضایی رکن اساسی در مدیریت زمان در کشف جرائم محسوب می‌گردد و به هر میزان که این تعامل ضعیف‌تر شود مدیریت زمان در این فرایند نیز دچار چالش خواهد شد»؛ بنابراین همان‌طور که در متن این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، مدیریت زمان در کشف جرم از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعدد

و متنوعی برخوردار بوده و به دلیل اینکه فرایند کشف جرم ذاتاً فرایندی پیچیده و چند نهادی است؛ مدیریت زمان در کشف جرم نیز رویکرد چند نهادی داشته و به خصوص تعامل پلیس با دادسرا در این فرایند از ابتدای شروع به تحقیقات مقدماتی تا ارائه مدارک در دادگاه مستلزم تعاملات رسمی و غیررسمی و سازمان پلیس و دادسرا و مقامات مشغول به خدمت در این دو نهاد است. همچنین مدیریت زمان در کشف جرائم و اقدامات پیشگیرانه از وقوع و تکرار جرم به طور غیرمستقیم و تحت تأثیر علل و عوامل مختلف همانند فشارهای رسانه‌ای یا بروز احساس ناامنی در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد، اما مدیریت زمانی که اثربخش و کارآمد باشد؛ باید قبل از بروز این حوادث شروع شده و برآیند آن جلوگیری از ایجاد التهاب در جامعه به دلیل تأخیر در کشف جرائم باشد؛ بنابراین، مدیریت زمان در کشف جرائم و پیشگیری از وقوع جرم باید از برنامه‌های کلان کشوری همانند تشکیل بانک‌های اطلاعاتی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر شروع شده و تا آموزش آن به مأموران پلیس جوان و مقامات قضایی در دانشکده‌های پلیس و دستگاه قضایی ادامه داشته باشد؛ لذا تسهیل و تسریع در هماهنگی‌ها، به طور مستقیم بر مدیریت زمان در کشف جرم و جلوگیری از تکرار و گسترش دامنه آن بسیار تأثیرگذار بوده و ضمن کمک به تدوین، پیاده‌سازی و اجرای فعالیت‌های پیشگیرانه از جرم، باعث افزایش سرعت در فرایند کشف جرائم بدون کاهش دقت در انجام آن می‌گردد. همچنین توسعه دانش فنی و علمی پلیس (بخصوص پلیس آگاهی و پلیس پیشگیری) با تکیه بر فن‌آوری‌های نوین در راستای کشف علمی جرائم و پیشگیری از وقوع و تکرار جرم بسیار حائز اهمیت است.

پیشنهادها

۱. تدوین الگوی مدیریت زمان در انجام مأموریت‌ها توسط همه بخش‌های اجرایی پلیس به جهت تسهیل و تسریع در فرایند رهبری و مدیریت یکپارچه رویدادهای انتظامی؛

۲. ایجاد بسترهای لازم جهت پیاده‌سازی الگوی یکپارچه مدیریت زمان در فرایند کشف جرائم و پیشگیری از جرم، از جهت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با هم‌افزایی همه دستگاه‌های ذی‌ربط؛

۳. در راستای افزایش تعامل پلیس و دستگاه قضایی در مدیریت زمان کشف جرائم و انجام اقدامات پیشگیرانه، لازم است با توسعه ارتباط الکترونیکی پلیس و قوه قضائیه، در هر شرایط زمانی و مکانی امکان ارتباط آنلاین (برخط) کلیه یگان‌های اجرایی فرماندهی انتظامی با مقامات قضایی و نیز با سایر سازمان‌های ذی‌مدخل (آتش‌نشانی، اورژانس و ...) مهیا شود.

سپاسگزاری

از همه عزیزانی که ما را در تألیف این مقاله همراهی نمودند به‌خصوص مسئولین محترم و پیشکسوتان آگاهی و پلیس پیشگیری فراجا تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

آخوندی، محمود. (۱۳۸۸). فقدان قواعد مشخص برای کشف جرم. گفت‌وگو با روزنامه حمایت، ۴.

اسماعیلی، سعید؛ سازنده، مجید؛ امین‌الهی، طالب؛ و عرب، وحید. (۱۳۹۷). مجموعه قوانین و مقررات کاربردی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات مطبوعات دینی.

اعتمادی، احمدرضا؛ و ذوقی، لیلا. (۱۴۰۱). ارائه مدل شایستگی‌های حرفه‌ای کارکنان به‌منظور مدیریت استعدادها. فصلنامه مدد یی منبع دد نی - و و ا نندمی، ۱۶(۶۸)،

۱۱-۳۶. http://phr.jrl.police.ir/issue_13579_14056.html

تفرشی، فرج‌اله؛ آهی، پرویز؛ برزویی، جواد؛ و فتح‌الهی، سید سیامک. (۱۴۰۲). تأثیر وضعیت‌های پیش‌جنایی بر مدیریت رفتارهای بزهکاران در پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: شهرستان قزوین). فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت انتظامی، ۱۸(۲)،

۱۳۱-۱۶۲. http://pmsq.jrl.police.ir/issue_14276_14372.html

جهانتاب، محمد. (۱۳۹۴). تاریخچه پلیس آگاهی. چاپ اول. تهران: انتشارات نشر کارآگاه.

خداداد حسینی، سید حمید؛ هندیانی، عبد...؛ و رستمی مراد، محمدصادق. (۱۳۸۷). عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم کشف پرونده‌های قتل. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۳(۴)، ۴۵۲-۴۷۳.

http://pmsq.jrl.police.ir/issue_12390_12504.html

ذوالفقاری، حسین؛ طالبیان، حسین؛ دعاگویان، داود؛ و بتولی، سید حسن. (۱۳۹۹). نظام جامع جرم‌یابی در پلیس ایران. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۵(۵۸).
۸۹-۱۱۴. http://icra.jrl.police.ir/issue_12899_12989.html

رضاییان، علی. (۱۴۰۱). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات سمت.
سرافراز، زهرا. (۱۴۰۰). رابطه بین مهارت‌های فردی مدیریت زمان با اثربخشی سازمانی در بین مدیران ادارات دولتی شهرستان کرج. فصلنامه پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری، ۳(۱۰)، ۷۳-۸۶.

<https://www.jocrimas.ir/fa/issue-10>

سید ناری، طاهره سادات؛ و قاسم پیوندی، محمدحسین. (۱۳۹۹). رر ره لا مددد یی زما لا ددسسده ؤذرر رها ((للله السد ممم فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۵(۳۳)،
۳۱-۵۶. https://islamicedu.rihu.ac.ir/issue_325_336.html

طالبیان، حسین. (۱۳۹۷). اصول حاکم بر جرم‌یابی با نگاهی به آینده. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۳(۴۹)، ۹-۳۸.

http://icra.jrl.police.ir/issue_3522_3523.html

فخرز، میر رحیم. (۱۳۹۵). آزمایشگاه تحقیقات جنایی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

فرجی‌ها، محمد. (۱۳۸۹). پیشگیری انتظامی از جرم. تهران: معاونت آموزش فراجا.

فرجی‌ها، محمد. (۱۳۹۰). مدیریت امور جرم‌یابی. فصلنامه کارآگاه، ۵(۱۵)، ۶-۲۲.

http://det.jrl.police.ir/issue_1831_1836.html

- محمودلی، مجید؛ جزینی، علیرضا؛ احمدی مقدم، اسماعیل؛ و عبدالرحمانی؛ رضا. (۱۴۰۲). راهبردهای پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر تسهیم نقش‌های برون‌سازمانی. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت انتظامی، ۱۸(۲)، ۱۰۳-۱۳۰.
- http://pmsq.jrl.police.ir/issue_14276_14372.html
- محمدی، محمود؛ و نیازخانی، مرتضی. (۱۳۹۵). علل تأخیر کشف جرم سرقت لوازم و محتویات خودرو. مجله کارآگاه، ۱۰(۳۷)، ۸۱-۹۵.
- http://det.jrl.police.ir/issue_1863_1867.html
- مهدوی ثابت، محمدعلی؛ صالحی، محمد خلیل؛ و شیداییان، زینب. (۱۳۹۸). نقد و بررسی مدل تعامل شبکه‌ای میان دادسرا و پلیس در مدیریت زمان در فرایند کیفری. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۰(۲)، ۲۱۳-۲۳۸.
- https://jol.guilan.ac.ir/issue_597_640.html
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۹). سرعت بخشی به فرایند کیفری، سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری. فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، ۴(۲۸)، ۳۶۴-۳۶۷.
- <http://ensani.ir/fa/article/journal-number/22195/28>
- هاشمی، سیدمحمدحسن؛ کریمی‌نیا، محمد مهدی؛ و انصاری مقدم، مجتبی. (۱۴۰۱). مدیریت وقت و زمان و استفاده از فرصت‌ها از دیدگاه قرآن کریم. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۵(۴۸)، ۱-۱۵.
- <https://www.jonahs.ir/5>
- De Heart, Paul (2017). Police and judicial cooperation in criminal matters. (www.compseconline.com/publications/prodclaw.htm)
- Goldstein, Josef (2018). Policing and criminalistics in a free society. Cambridge.M. A. Ballinger Publishing Company.
- Matthew, Jones (2017). Governance, integrity, and the police organization. (Department of Public Administration. The College at Brockport State University of New York.
- Maurice Punch (2015). What matters in policing? Change, values and leadership in turbulent times (Policy Press)
- Jane, Johnston (2014). Communicating Justice: A Comparison of Courts and Police Use

Colin, Rogers (2013). Leadership skills in police affairs: Who's calling the shots? Toronto: University of Toronto Press of Contemporary Media.

